



An Analysis of the Philosophy of Jihad in the Ramadan War Based on the Teachings of the Holy Quran

Ali Asghar jafari valani

Associate Professor, Department of Philosophy and Islamic Theology, Shahid
Motahari University
jafari_valani@motahari.ac.ir

Fatemeh AminiPouya

M.A. in Islamic Philosophy and Theology, University of Tehran,
f.aminipouya@ut.ac.ir

Abstract

This article examines the philosophy of Jihad in the Holy Quran to address the fundamental question of whether Jihad is inherently a defensive concept or a tool for spreading violence. Through a descriptive-analytical approach and a semantic analysis of the term "*Jihad*," it is demonstrated that the concept encompasses a spectrum of actions in the Quran, ranging from internal, ethical striving to military combat. The findings indicate that military jihad is legitimate only when confronting oppression and aggression. By examining the "Ramadan War" (tensions involving Iran, the United States, and the Zionist regime), this article analyzes the two narratives of legitimate resistance and the justification of violence; it concludes that the defense undertaken by the Islamic Republic of Iran—characterized by adherence to ethical principles and resistance against aggressors—can be regarded as an instance of defensive jihad within the framework of Quranic criteria.

Keywords: Defensive jihad, Holy Quran, Ramadan War, opposition to oppression, ethics of war, legitimate defense.



تحليل لفلسفة الجهاد في حرب رمضان استناداً إلى تعاليم القرآن الكريم

على اصغر جعفرى ولنى

أستاذ مشارك، قسم الفلسفة وعلم الكلام الإسلامي، جامعة الشهيد مطهري

jafari_valani@motahari.ac.ir

فاطمة امينى پويا

ماجستير في الفلسفة وعلم الكلام الإسلامي، جامعة طهران

f.aminipouya@ut.ac.ir

ملخص

يتناول هذا المقال فلسفة "الجهاد" في القرآن الكريم، وذلك لمعالجة السؤال الجوهرى حول ما إذا كان الجهاد مفهوماً دفاعياً بطبيعته أم أداةً لنشر العنف. ومن خلال اعتماد المنهج الوصفى التحليلي وإجراء تحليل دلالي لمصطلح "الجهاد"، تُبين الدراسة أن هذا المفهوم يشمل طيفاً واسعاً من الأفعال، بدءاً من السعي الأخلاقي الداخلي ووصولاً إلى القتال العسكري. وتُشير النتائج إلى أن الجهاد العسكري لا يُشرعن إلا في مواجهة الظلم والعدوان. يتناول هذا المقال "حرب رمضان" (التوترات التي شملت إيران والولايات المتحدة والكيان الصهيوني) ويحلل روايتين متناقضتين: المقاومة المشروعة مقابل تبرير العنف. ويخلص المقال إلى أن الدفاع الذي قامت به الجمهورية الإسلامية الإيرانية — المتركز على الالتزام بالمبادئ الأخلاقية ومقاومة المعتدين — يمكن اعتباره نموذجاً لـ "الجهاد الدفاعي" (Jihad-e Defa'i) "في إطار المعايير القرآنية". الكلمات المفتاحية: الجهاد الدفاعي، القرآن الكريم، حرب رمضان، مناهضة الظلم، أخلاقيات الحرب، الدفاع المشروع.

تحلیل فلسفه جهاد در جنگ رمضان برمبنای آموزه‌های قرآن کریم

علی اصغر جعفری ولنی

دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران

jafari_valani@motahari.ac.ir

فاطمه امینی پویا

کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

f.aminipouya@ut.ac.ir

چکیده

این مقاله به بررسی فلسفه جهاد در قرآن کریم می‌پردازد تا به این پرسش بنیادین پاسخ دهد که آیا جهاد در ذات خود مفهومی دفاعی است یا ابزاری برای گسترش خشونت. با روش توصیفی تحلیلی و با واکاوی معناشناختی واژه «جهاد»، نشان داده می‌شود که این مفهوم در قرآن طیفی از تلاش درونی و اخلاقی تا مبارزه نظامی را در بر می‌گیرد. یافته‌ها حاکی از آن است که جهاد نظامی تنها در مواجهه با ظلم و تجاوز مشروعیت می‌یابد. در این مقاله با بررسی «جنگ رمضان» (تنش‌های میان ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی)، دوروایت مقاومت مشروع و توجیه خشونت را تحلیل کرده و به این نتیجه می‌رسد که دفاع جمهوری اسلامی ایران، به دلیل پایبندی به اصول اخلاقی و دفاع در برابر متجاوزان، می‌تواند مصداقی از جهاد دفاعی در چارچوب معیارهای قرآنی تلقی شود.

کلیدواژه‌ها: جهاد دفاعی، قرآن کریم، جنگ رمضان، ظلم‌ستیزی، اخلاق جنگ، دفاع مشروع

مقدمه

مفهوم «جهاد» از بنیادی‌ترین و در عین حال مناقشه‌برانگیزترین مفاهیم در اندیشه اسلامی است؛ مفهومی که میان دو قرائت متفاوت در نوسان قرار دارد: قرائتی که آن را تلاشی برای رفع موانع هدایت می‌داند و قرائتی که آن را ابزاری برای گسترش خشونت معرفی می‌کند. این دوگانگی نه تنها میان اندیشمندان غربی، بلکه میان برخی مفسران مسلمان نیز محل بحث بوده است.

قرآن کریم، به عنوان متن بنیادین اسلام، مفهوم جهاد را در بافت‌ها و سیاق‌های گوناگون به کار برده است؛ از تلاش اخلاقی و درونی برای اصلاح نفس گرفته تا مقاومت در برابر ظلم و تجاوز. در شرایط معاصر، به ویژه در پرتوتنش‌هایی که در برخی گفتمان‌ها با عنوان «جنگ رمضان» شناخته می‌شود، بازخوانی دقیق این مفهوم اهمیتی دوچندان یافته است. از این رو، این مقاله می‌کوشد با رویکردی تحلیلی، فلسفه جهاد در قرآن را بازخوانی کرده و نسبت آن را با برخی منازعات معاصر مورد بررسی قرار دهد. پرسش اصلی؛ در این تحقیق، این است که فلسفه جهاد در قرآن کریم بر چه مبنایی استوار است و چگونه می‌توان آن را بر منازعات معاصر تطبیق داد؟

و در ابعاد فرعی، گونه‌شناسی جهاد در قرآن کریم شامل چه ابعادی است؟ چه عواملی منجر به سوء برداشت از مفهوم جهاد و تبدیل آن به خشونت می‌شود؟ و آیا اقدامات جمهوری اسلامی ایران در جنگ رمضان با معیارهای جهاد قرآنی

هم خوانی دارد؟

روش تحقیق در این پژوهش «توصیفی-تحلیلی» است. گردآوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و با استناد به منابع اصیل و حیانی (قرآن کریم) و تفاسیر معتبر اسلامی (نظیر التبیان و بحار الانوار) انجام شده است. در این مقاله، مفاهیم کلیدی ابتدا از منظر معناشناختی بررسی شده و سپس با استفاده از چارچوب نظری «دفاع مشروع در اسلام» بر برخی مصادیق عینی در منازعات معاصر تطبیق داده شده‌اند.

۱) جهاد در قرآن؛ معناشناسی و گونه‌شناسی

واژه «جهاد» از ریشه «ج-ه-د» به معنای «بذل نهایت توان» است. این واژه در قرآن در معانی مختلفی به کار رفته است. بررسی آیات نشان می‌دهد که جهاد را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد:

۱-۱) جهاد نفس

مبارزه با تمایلات درونی و اصلاح اخلاقی. در قرآن کریم، واژه‌های جهاد و نفس گاه به طور جداگانه و در برخی موارد در کنار یکدیگر آمده‌اند. در برخی روایات نیز جهاد نفس بالاتراز جهاد با کفار ذکر شده است. درباره دشواری جهاد نفس گفته‌اند که مردم به طور عادی یک بار می‌میرند، ولی کسی که در مسیر جهاد نفس و مبارزه با شیطان و هواهای نفسانی خود قرار می‌گیرد، روزی هفتاد بار می‌میرد (مجلسی، ۱۳۷۱: ج ۷۴، ص ۲۴).



۲-۱) جهاد تبلیغی

تلاش برای رساندن پیام حق. در هنگام جهاد، صواب است رزمندگان اسلام از شعارها و علائمی که نوعی تبلیغات جنگی محسوب می شود، استفاده کنند. شعار در واقع نشانه جبهه حق و مبتین اهداف جهاد است.

۳-۱) جهاد نظامی

مقابله با دشمنان در شرایط خاص، که خود می تواند شامل دفاع از خود یا دفاع از دیگران باشد. در برخی نوشته ها از این جهاد با عنوان جهاد ابتدایی یاد می شود. از مهم ترین آیات قرآن در این باب، آیه ۳۹ سوره مبارکه حج است که می فرماید: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنَهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»؛ به آنان که مورد تهاجم دشمن و جنگ قرار گرفته اند، اجازه جهاد داده شده است و خداوند بریاری آنان تواناست. در ادامه می فرماید: «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ»؛ همان کسانی که به ناحق از خانه و کاشانه خود، بدون هیچ دلیلی، اخراج شدند، جزاینکه می گفتند پروردگار ما الله (خدای یکتا) است.»

در این جا نشان داده می شود که آغاز جهاد، جهاد دفاعی در برابر دشمن بوده است؛ همان دشمنانی که مسلمانان را مجبور به هجرت و ترک خانه های خود کرده بودند، بی آنکه گناهی داشته باشند.

در بخشی دیگر از جهاد نظامی، قرآن کریم به جهاد برای حمایت از مستضعفان اشاره می کند؛ آن جا که در آیه ۷۵ سوره مبارکه نساء می فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ

يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا؛ چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که به دست ستمگران تضعیف شده‌اند پیکار نمی‌کنید؟ همان مظلومانی که می‌گویند: خدایا! ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند بیرون ببر و برای ما از سوی خود سرپرست و یآوری قرار ده»

در این آیه نخست دعوت به جهاد در راه خدا شده و سپس سخن از مستضعفان و مظلومانی به میان آمده است که دشمن سنگ دل آنان را چنان تحت فشار قرار داده که ناچار به ترک خانه و کاشانه خود شده‌اند.

البته به نظر می‌رسد که این دو در واقع به یک معنا بازمی‌گردد؛ چراکه یاری این‌گونه مظلومان مصداق روشن جهاد فی سبیل الله است.

نکته مهم این است که جهاد نظامی تنها بخشی از این مفهوم گسترده است و نه تمام آن. قرآن در بسیاری از آیات بر جنبه‌های غیرخشونت‌آمیز جهاد تأکید می‌کند؛ مانند آیه ۵۲ سوره مبارکه فرقان که به جهاد فرهنگی و فکری اشاره دارد؛ «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا؛ پس، از کافران پیروی نکن و به وسیله قرآن (یا ترک پیروی از آنان) با آنان به جهادی بزرگ پرداز»

در تفسیر این آیه می‌توان گفت که برخورد با کافران، حداقل دو مرحله دارد:

(۱) عدم اطاعت از آنان (فلا تطع)

(۲) مبارزه و جهاد با آنان (وجاهد هم).

جهاد در قرآن نیز دارای چند قسم است: جهاد با شمشیر که همان جهاد



نظامی است و در برخی تفاسیر به جهاد اصغر تعبیر می‌شود. البته در این جا منظور از جهاد همان جهاد تبلیغی یا جهاد علمی است که با منطق قرآن و پاسخ دادن به شبهات کافران، با آن‌ها مبارزه می‌شود و در برخی تفاسیر به جهاد اکبر تعبیر می‌گردد (ر.ک، طوسی، بی تا: ج ۷، ص ۴۹۸)

۲) فلسفه جهاد نظامی: دفاع یا تهاجم؟

یکی از کلیدی‌ترین پرسش‌ها درباره جهاد، ماهیت آن است: آیا جهاد ماهیتی دفاعی دارد یا تهاجمی؟
بررسی آیات قتال نشان می‌دهد که جهاد نظامی در قرآن با شروط و قیود مشخصی همراه است:

- ۱-۲) دفاع در برابر تجاوز؛ «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا» (حج، ۳۹)
- ۲-۲) مقابله با فتنه و سلب آزادی دینی؛ «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ». (بقره، ۱۹۳)
- ۳-۲) رعایت حدود اخلاقی در جنگ؛ عدم تجاوز به منظور منع کشتن غیرنظامیان.

این آیات نشان می‌دهد که جهاد در اصل، پاسخ به شرایطی است که در آن، حق انتخاب و عدالت مورد تهدید قرار گرفته است. بنابراین می‌توان گفت که فلسفه اولیه جهاد، رفع موانع دعوت و دفاع از کرامت انسانی است، نه گسترش خشونت.

۳) امکان سوء برداشت؛ از جهاد تا خشونت مقدس

با وجود چارچوب‌های اخلاقی و محدودکننده در قرآن، تاریخ نشان داده است که مفهوم جهاد می‌تواند دستخوش سوء برداشت شود. این امر معمولاً در شرایطی رخ می‌دهد که:

اولاً: متون دینی بدون توجه به سیاق تاریخی تفسیر شوند؛ به این معنا که به شأن نزول آیات یا روایات معصومین علیهم‌السلام در آن باب توجهی نشود.

ثانیاً: قدرت‌های سیاسی از دین برای مشروعیت بخشی به اهداف خود استفاده کنند؛ بدین معنا که از ظاهر برخی آیات برای منافع سیاسی سوء استفاده شود، بدون توجه به منظور و حقیقت اصلی آیات.

ثالثاً: مرز میان دفاع و تهاجم مخدوش شود و نتوان این دو را از یکدیگر تمییز داد.

البته در چنین شرایطی، جهاد از یک مفهوم اخلاقی-دفاعی به ابزاری برای خشونت تبدیل می‌شود. این همان نقطه‌ای است که منتقدان اسلام بر آن تأکید می‌کنند، در حالی که بسیاری از اندیشمندان مسلمان آن را انحراف از روح قرآن می‌دانند.

۴) جهاد و عدالت؛ در نسبت با نظم جهانی

یکی از وجوه مهم فلسفه جهاد، پیوند آن با عدالت است و قرآن بارها تأکید می‌کند که حتی در جنگ، عدالت باید رعایت شود. از این رو، این اصل جهاد را از یک کنش صرفاً نظامی به یک مسئولیت اخلاقی تبدیل می‌کند. در این





چارچوب، جنگ تنها زمانی مشروع است که:
اولاً برای رفع ظلم باشد؛ ثانیاً به حداقل خشونت منجر شود؛ و ثالثاً هدف آن
برقراری صلح عادلانه باشد.

۵) بازخوانی جهاد در پرتو منازعات معاصر (جنگ رمضان)

در تحلیل منازعاتی که میان ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی شکل گرفته و
گاه در ادبیات سیاسی به «جنگ رمضان» تعبیر می شود، مفهوم جهاد بار دیگر به
کانون توجه بازگشته است. در این فضا، دو نوع روایت قابل مشاهده است:

۱-۵) روایت اول (دفاعی) جهاد به عنوان مقاومت در برابر سلطه، دفاع از
استقلال و مقابله با ظلم.

۲-۵) روایت دوم (انتقادی) جهاد به عنوان پوششی برای گسترش نفوذ و
تشدید درگیری ها.

واقعیت آن است که تطبیق مفهوم قرآنی جهاد با این منازعات، نیازمند دقت
بسیار است. اگر معیارهای قرآنی، مانند دفاعی بودن، رعایت عدالت و پرهیز از
تجاوز، ملاک قرار گیرند، بسیاری از اقدامات خشونت آمیز ممکن است خارج از
چارچوب جهاد مشروع قرار گیرند. بنابراین، استفاده از مفهوم جهاد در گفتمان
سیاسی هم می تواند الهام بخش مقاومت مشروع باشد و هم در صورت
سوءاستفاده، به چرخه ای از خشونت دامن بزند. اما نکته حائز اهمیت و قابل
توجه آن است که این جنگ، با بررسی های عمیق تر، می تواند مصداقی دقیق از

جهاد در مقام دفاع باشد؛ چراکه در ابتدای امر، کشوری مسلمان تحت تهاجم نیروهای خارجی با نیت تسلط بر آن قرار گرفته است و طبق آیات قرآنی و مباحث روایی، جهاد در مقابل این بیگانگان می‌تواند مصداقی دقیق از این قسم باشد. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که جهاد در قرآن، مفهومی چندبعدی و در اصل اخلاق‌محور است که تنها در شرایط خاص به صورت نظامی تجلی می‌یابد. فهم صحیح این مفهوم، مستلزم توجه به کل‌نگری در آیات قرآن و پرهیز از تفسیرهای تقلیل‌گرایانه است. همچنین، در مواجهه با منازعات معاصر، بازگشت به اصول بنیادین قرآن، از جمله عدالت، کرامت انسانی و عدم تجاوز، می‌تواند الگویی برای تمایز میان جهاد مشروع و خشونت نامشروع باشد.

در برابر تجاوزات نیز، نکته اصلی آن است که برای تحقق مصداق جهاد در این امر، لازم است اصول اخلاقی مورد نظر قرآن کریم، مانند عدالت، از سوی مسلمانان جهادگر مورد توجه قرار گیرد. به عنوان مثال، هدف قرار ندادن مناطق مسکونی یا توجه به اصول اخلاقی در برابر اسرا و اموری از این قبیل، که در این جنگ از سوی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه ویژه بوده است. این همان اصولی است که قرآن کریم در امر جهاد به مسلمانان توصیه کرده است و مسلمانان می‌بایست آن را رعایت کنند. گرچه در تجاوزات صورت گرفته از سوی جبهه مقابل، این نکات دیده نمی‌شود. مهم‌ترین مصداق آن نیز در جنگ رمضان، هدف قرار گرفتن مناطق غیرنظامی، از جمله دبستان شجره طیبه در شهرستان میناب، بود که باعث به شهادت رسیدن بیش از ۱۶۰ دانش‌آموز بی‌گناه





و نیز هدف قرار گرفتن مراکز درمانی، مراکز آموزشی و تربیتی و... توسط رژیم صهیونیستی و آمریکا شد.

بحث

در بررسی نسبت میان جهاد و عدالت، مشخص می شود که جهاد در قرآن یک مسئولیت اخلاقی است، نه یک کنش صرفاً نظامی. هدف نهایی، نه نابودی دشمن، بلکه برقراری صلحی عادلانه است. در جنگ رمضان، تفاوت اصلی در «رعایت اصول اخلاقی» نهفته است. جمهوری اسلامی با پرهیز از حمله به مناطق مسکونی، مدارس، مراکز درمانی و دیگر نهادهای مدنی، روح جهاد قرآنی را حفظ کرده است؛ در حالی که جبهه مقابل با حمله به «دبستان شجره طیبه میناب» و شهادت بیش از ۱۶۰ دانش آموز، و نیز هدف قرار دادن مراکز درمانی، عملاً در مسیر خشونت غیرمشروع گام برداشته است.

نتیجه گیری

تحلیل فلسفه جهاد در قرآن نشان می دهد که این مفهوم، در اصل ناظر به «تلاش در راه حق» است و تنها در شرایط خاص، به صورت نظامی ظهور می یابد. از این رو، جهاد نظامی نه ابزاری برای گسترش خشونت، بلکه واکنشی محدود و مشروط به شرایطی است که در آن، ظلم و سلب آزادی دینی رخ داده باشد. با این حال، تاریخ و واقعیت های معاصر نشان می دهد که این مفهوم می تواند دستخوش تفسیرهای ایدئولوژیک شود. در چنین شرایطی، بازگشت به متن قرآن و

تأکید بر اصولی چون عدالت، عدم تجاوز و حفظ کرامت انسانی ضروری خواهد بود.

در نهایت، نسبت جهاد با منازعاتی مانند «جنگ رمضان» را نمی‌توان به صورت ساده و یک‌سویه تحلیل کرد. این نسبت بستگی به آن دارد که کنش‌گران تا چه اندازه به روح و فلسفه واقعی جهاد پایبند باشند. از این رو، جهاد اگر در چارچوب قرآنی خود فهم شود، می‌تواند ابزاری برای رفع ظلم باشد.



منابع و مآخذ

قرآن کریم.

۱. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن* (۱۰ جلدی). مصحح: محمد محسن آقابزرگ تهرانی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۳۷۱). *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام* (۱۰۴ جلدی). بیروت: دار احیاء التراث العربی.